



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 30. No 4. Winter 2024

Received date: 2023.10.02

Acceptance date: 2024.01.01



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

The Role of Security Factors in the Aggressiveness of Saudi Foreign Policy Towards Iran (2001-2017)

Alireza Mollaghadimi¹, Mehdi Zakerian², Ahmadi Hamid³



Abstract

A retrospective analysis spanning over two decades of tensions between Saudi Arabia and the Islamic Republic of Iran indicates an escalating security dimension to these disputes. This article seeks to illustrate that despite substantial global community's backing for Saudi Arabia in terms of military and security assistance, the surge in Iran's operational influence across the region, particularly since 2001, prompted Riyadh to adopt progressively Aggressive measures and approaches to undermine Iran's capabilities. Consequently, countering Iran's regional role and influence became a central concern, resulting in an upswing of insecurity in the Middle East. In response to the core query, "How have security threats impacted the aggressiveness of Saudi Arabia's foreign policy towards the Islamic Republic of Iran?" this paper has examined the hypothesis that "threat-oriented foreign policy of Saudi Arabia has led to increasing of the aggressive measures, crisis-creating and securitization from the Islamic Republic of Iran regional behaviors by Saudi Arabia." the research employs the framework of offensive realism, utilizes a qualitative approach to explain the causes, processes and consequences of Saudi Arabia's conduct towards Iran. The objective of this study is to demonstrate that Riyadh's aggressive foreign policy within the region wasn't solely a defensive response to alleged Iranian threats against Saudi interests.

Keywords: Existential Threat, Securitization, Security Conflict, Preservation-oriented National Security, Expansion-oriented National Security.

1 - PhD student of International Relations, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran .

2 - Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Corresponding author: mzakerian@gmail.com

3 - Professor, Department of political science, Faculty of law and political science, University of Tehran, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۰، شماره ۴، پیاپی (۱۱۴)، زمستان ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰

Home page: www.cmess.sinaweb.net

نوع مقاله: پژوهشی

نقش عوامل امنیتی در تهاجمی شدن سیاست خارجی عربستان در قبال ایران (با تأکید بر دوره زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷)^۱

علی‌رضا ملاقدیمی^۲، مهدی ذاکریان^۳، حمید احمدی^۴



چکیده

بررسی بیش از دو دهه اختلافات میان عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که این تنش‌ها به شکل فزاینده‌ای صبغه امنیتی پیدا کرده است. مسئله کلی مقاله حاضر آن است که نشان دهد به رغم حمایت گسترده جامعه بین‌المللی از عربستان در ابعاد نظامی و امنیتی، افزایش قدرت عملیاتی ایران در منطقه، مشخصاً از سال ۲۰۰۱ به بعد، موجب گردید تا ریاض به تدریج اقدامات و رویکردهای تهاجمی‌تری را برای تضعیف توان تهران و متوقف کردن نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران در دستور کار قرار دهد که این امر به افزایش ناامنی در خاورمیانه انجامید. در پاسخ به این سوال اصلی که تهدیدات امنیتی چه تأثیری در تهاجمی شدن سیاست خارجی عربستان سعودی علیه جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ نوشتار حاضر به آزمون این فرضیه پرداخته که تهدیدمحور بودن سیاست خارجی عربستان سعودی، به افزایش اقدامات تهاجمی، بحران‌آفرینی و امنیتی‌سازی این کشور از رفتارهای جمهوری اسلامی ایران انجامیده است. روش به کار گرفته شده در این مقاله موردی و تحلیل ثانویه است و بر همین اساس علل، فرآیندها و پیامدهای امنیتی شدن مناسبات عربستان با ایران مورد بررسی قرار گرفته است. نظریه به کار گرفته شده در پژوهش برای تبیین رفتارهای عربستان، رئالیسم تهاجمی می‌باشد. هدف مقاله این بوده که نشان دهد سیاست خارجی تهاجمی ریاض در منطقه، صرفاً یک عکس‌العمل تدافعی و واکنشی در قبال تهدیدات ادعایی تهران علیه منافع ریاض در منطقه نبوده است.

واژگان کلیدی: تهدید وجودی، امنیتی‌سازی، منازعه امنیتی، امنیت ملی حفظ‌محور، امنیت ملی بسط‌محور.

۱ - این مقاله مستخرج از رساله دکتری روابط بین‌الملل علی‌رضا ملاقدیمی در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران می‌باشد.

۲ - دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳ - (نویسنده مسئول)، دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
mzakerian@gmail.com

۴ - استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

بیان مسئله

منازعات میان عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران و تهاجمی شدن سیاست خارجی ریاض نسبت به تهران دارای ابعاد مختلف و عوامل متعدد امنیتی، هویتی و ژئوپلیتیک بوده است؛ به این موارد باید برداشت‌های نخبگان سیاسی و تحولات بین‌المللی را افزود. موضوع این مقاله مطالعه عوامل امنیتی است لذا در بررسی نقش تهدیدات امنیتی در تهاجمی شدن سیاست خارجی عربستان علیه ایران در بخش‌های مختلف مقاله علل تهدید تلقی شدن رفتارهای منطقه‌ای ایران از سوی عربستان سعودی، استقبال این کشور از به راه انداختن منازعه امنیتی و اهدافی که ریاض از طریق تهاجمی کردن سیاست خارجی خود برای شکل‌دهی به نظام امنیت منطقه‌ای دنبال می‌نماید، مطرح خواهد گردید. در واقع هدف مشخص پژوهش، شناخت دقیق‌تر دلایل رفتارهای تقابلی و تهاجمی عربستان در قبال جمهوری اسلامی ایران و اتخاذ سیاست‌های متناسب به منظور جلوگیری از تشدید تهدیدات آنها علیه یکدیگر می‌باشد.

در خصوص پیشینه پژوهشی ارزیابی دلایل امنیتی تهاجمی شدن سیاست خارجی عربستان از جمله در قبال ایران، استیگ استنس‌لی (۱۳۹۳) در کتاب «جامعه‌شناسی سیاسی قدرت در عربستان»، پیروی نسل سوم شاهزادگان این کشور از منطق قدرت و آمادگی‌شان برای اتحاد با غرب جهت مهار نفوذ ایران و مقابله با تهدیدات آن را برجسته ساخته است. مسعود همیانی (۱۳۹۴) در مقاله «تغییر جهت در سیاست خارجی عربستان سعودی: از استراتژی موازنه تا رهبری ائتلاف» تغییر محیط امنیتی خاورمیانه پس از قیام‌های عربی ۲۰۱۱ را عامل اصلی فاصله گرفتن عربستان از سیاست موازنه تهدید و روی آوردن به تشکیل ائتلاف با محوریت خود و مواجهه مستقیم با بحران‌های منطقه‌ای دانسته است. محمد منصوری مقدم (۱۳۹۴) در کتاب «تحولات منطقه‌ای و سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۲-۱۹۹۱)»، با تأکید بر تعریف سلبی این کشور از مفهوم امنیت، افزایش قدرت و نقش منطقه‌ای، ایران را عامل تهدیدانگاری ریاض از تهران و ضرورت مقابله بیشتر با آن بیان کرده است. علی‌اکبر اسدی (۱۳۹۵) در مقاله «سیاست خارجی تهاجمی و سیاست داخلی عربستان» رویکرد تهاجمی عربستان را نتیجه تحولاتی می‌داند که در سه سطح داخلی (روی کار آمدن نسل سوم قدرت‌محور و افزایش درآمدهای نفتی)، منطقه‌ای (افزایش نفوذ ایران) و بین‌المللی (کاهش نقش آمریکا در منطقه و تمایلات آسیایی آن) رخ داده است. بنفشه کینوش (۱۳۹۶) در کتاب «عربستان سعودی و ایران؛ دوست یا دشمن؟» افزایش رقابت‌های دو کشور را نتیجه اختلالاتی می‌داند که آمریکا

در موازنه منطقه‌ای بین این دو ایجاد کرده زیرا واشینگتن به طور یکسان امنیت را برای ایران و عربستان نمی‌خواهد. مرضیه‌سادات الوند و مریم‌سادات حسینی (۱۳۹۹) در مقاله «تحلیل سیاست خارجی تهاجمی و کنشگرانه عربستان از منظر واقع‌گرایی کلاسیک (۲۰۲۰-۲۰۱۰)»، کنار گذاشتن رویه محافظه‌کارانه عربستان در سیاست خارجی را به دلیل قرار گرفتن این کشور در تنگناهای ژئوپلیتیک و احساس نگرانی از تغییر موازنه منطقه‌ای به نفع ایران دانسته‌اند. محمود بابایی و پریسا شاه‌محمدی (۱۴۰۱) در مقاله تهاجمی شدن سیاست خارجی عربستان را با هدف موازنه‌سازی در برابر نقش فزاینده ایران، اثرگذاری حداکثری بر بحران‌های داخلی کشورهای متحد جمهوری اسلامی ایران، استقرار نظم مطلوب امنیتی ریاض و عادی‌سازی تدریجی روابط عربستان با رژیم اسرائیل، ارزیابی کرده‌اند.

در مقام مقایسه با آثار برشمرده مذکور نوآوری و اهمیت پژوهش حاضر در استفاده از ظرفیت‌های تفسیری نظریه رئالیسم تهاجمی برای بررسی علل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تغییر رویکرد سیاست خارجی عربستان می‌باشد. کاربرد مشخص این امر در افزایش دقت تحلیل و استخراج منطق رفتارهای منطقه‌ای عربستان می‌باشد. بر این اساس ریاض با هر گونه تحول و یا اقدامی که باعث تهدید قدرت، تغییر ترتیبات امنیتی منطقه و محدود شدن نفوذ و نقش ژئوپلیتیکی عربستان در خاورمیانه عربی گردد، مقابله نظامی می‌نماید. همچنین عربستان در مدیریت تحولات و معادلات ژئوپلیتیکی منطقه و تبعات امنیتی آن ناتوان بوده و تهاجمی شدن سیاست خارجی و مواجهه مستقیم با بحران‌های مختلف منطقه‌ای را بهترین و ممکن‌ترین راه‌حل می‌داند. مقاله حاضر همچنین نشان داده که گرچه افزایش توانمندی‌های داخلی و تهدیدات بیرونی انگیزه تهاجمی شدن سیاست خارجی کشورها را تقویت می‌کند اما همیشه بحران‌آفرینی و ایجاد منازعه به ایجاد نظم مطلوب و یا حذف و تضعیف رقیب نمی‌انجامد.

چارچوب نظری

در این بخش ابتدا تعریف برخی مفاهیم و واژگان امنیتی و سپس مبانی نظری رویکردهای امنیتی عربستان در قبال ایران ارائه می‌گردد.

تهدید وجودی^۱: اقدامات و رفتارهایی است که اهداف مرجع و حیاتی کشورها مانند تمامیت ارضی، حاکمیت، هویت و ایدئولوژی آنان را به خطر می‌اندازد.

امنیتی‌سازی^۱: تصمیمات و مواضع هدفمند نخبگان، رهبران سیاسی و گروه‌های ذی‌نفوذ یک کشور برای افزایش تضادهای هویتی خود با دیگران، تهدید نشان دادن رفتار و اقدامات آنها و قرار دادن امور در وضعیت اضطراری می‌باشد. امنیتی‌سازی نوعی پروژه دشمن تراشی است.

منازعه امنیتی^۲: بحران‌های مدیریت شده مانند به راه انداختن جنگ‌های نیابتی، درگیری‌های فرقه‌ای، ایجاد ناامنی‌های داخلی و تقویت جریان‌های تجزیه طلب است که اهداف مشخص سیاسی، راهبردی و ژئوپلیتیکی مانند تضعیف توان و جایگاه رقبا در برقراری موازنه و نظم منطقه‌ای را دنبال می‌نماید.

امنیت ملی حفظ‌محور^۳: رویکرد مبتنی بر اولویت دادن به اهدافی چون موجودیت نظام سیاسی و حفظ مشروعیت آن، تمامیت ارضی، هویت و انسجام ملی در سیاست خارجی یک کشور و مقابله با تهدیدات دیگر کشورها علیه این اهداف می‌باشد.

امنیت ملی بسط‌محور^۴: هدف‌گذاری برای ایفای نقش راهبردی و تحکیم پایه‌های امنیت ملی یک کشور در ورای مرزهای جغرافیایی، مشارکت در شکل‌دهی نظام امنیت منطقه‌ای و جهانی و مقابله با تهدیداتی است که از سوی کشورهای رقیب، متوجه چنین اهدافی می‌گردد. این رویکرد معطوف به گسترش نفوذ و افزایش تأثیرگذاری یک کشور است.

رناليسم تهاجمی و امنیت

مفهوم امنیت از دید واقع‌گرایان به معنای نبود «تهدید» است. رویکردها و روش‌هایی که برای از بین بردن تهدیدات توسط دولت‌ها اتخاذ می‌شود بر جهت‌گیری سیاست خارجی آنان نقش بسزایی دارند. بر مبنای نظریه واقع‌گرایی تهاجمی، بعد نظامی امنیت از اهمیت زیادی برخوردار است و کشورها باید امکانات و توانمندی‌های مادی خود را جهت افزایش قدرت تسلیحاتی و تأمین بیشتر امنیت بسیج نمایند. هر گونه افزایش توانمندی نظامی همسایگان نیز به منزله یک تهدید مهم امنیتی بوده و لازم است به منظور برقراری موازنه قدرت، سیاست‌های متناسبی همچون اتحاد با قدرت‌های بزرگ، عضویت در پیمان‌های نظامی، بازدارندگی و... اتخاذ گردد.

تأکید واقع‌گرایان تهاجمی بر متغیر امنیت، تمایل به اتخاذ رویکردهای منازعه‌جویانه و تهاجمی را افزایش می‌دهد. ورود به چرخه‌ای از رقابت و تعارض مانع حرکت کشورها به سمت همکاری شده و به تشدید

1 - Securitization

2 - Security Conflict

3 - Maintenance oriented National security

4 - Expansion oriented National security

معمای امنیت کمک می‌کند (یزدان‌فام، ۱۳۸۷: ۷۳۰). مرشایمر^۱ از صاحب‌نظران اصلی رئالیسم تهاجمی بر این باور است که دولت‌ها سطحی از قابلیت‌های تهاجمی را دارند که به آنها توان آسیب زدن و حتی نابود کردن یکدیگر را می‌دهد؛ لذا هر اندازه قدرت نظامی بیشتری داشته باشند، خطرناک‌تر می‌شوند (مرشایمر، ۱۳۹۰: ۳۵). وی معتقد است دولت‌ها عمدتاً در منطقه خویش قادر به تبدیل شدن به قدرت هژمون هستند. هر قدرت برتر منطقه‌ای به شدت در صدد حفظ موقعیت خود و ممانعت از شکل‌گیری برتری رقیب می‌باشد. همین امر ماهیت تهاجمی و تخاصم‌آمیز به سیاست خارجی آن می‌دهد (جکسون و سورونسون، ۱۳۹۴: ۱۴۸-۱۴۴).

واقع‌گرایان تهاجمی در تحلیل رفتار دولت‌ها برای افزایش قدرت، امنیت و نفوذ خود بسترهای تاریخی و اقتصادی را نیز لحاظ می‌کنند. به باور فرید زکریا^۲، ثروتمند شدن کشورها به ایجاد ارتش‌های بزرگ منجر شده و در چنین وضعیتی آنان خود را درگیر کنترل محیط بین‌المللی پیرامونشان می‌نمایند. دولت‌ها نیات و راهبردهای تهاجمی را با هدف بیشینه‌سازی نفوذ ژئوپلیتیک و افزایش قدرت نظامی خویش دنبال می‌کنند (مشیرزاده، ۱۳۹۲: ۱۳۲-۱۲۱). بر مبنای رهیافت رئالیسم تهاجمی هژمون‌های رقیب منطقه‌ای از اصل «احاله مسئولیت»^۳ و ابزار «جنگ‌های نیابتی»^۴ برای برهم زدن موازنه منطقه‌ای در حوزه نفوذ دیگری استفاده می‌کنند (مرشایمر، ۱۳۹۰: ۱۵۸).

تبیین جهت‌گیری‌های سیاست خارجی عربستان از منظر رئالیسم تهاجمی

عربستان سعودی از زمان تشکیل خود تا کنون بر اساس برداشت‌های عمدتاً نظامی از مفهوم امنیت، سیاست‌هایی نظیر جلب حمایت قدرت‌های فرا منطقه‌ای و همراهی با آنها، انجام خریدهای تسلیحاتی، مشارکت در ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و مقابله با کشورهای رقیب منطقه‌ای را در پیش گرفته که همین امر پیوسته یک رویکرد واقع‌گرایانه را به سیاست خارجی این کشور افزوده است. تجربه نیز نشان داده که عربستان به جای همکاری و حل دیپلماتیک اختلافات خود با رقبای اولویت را بر دفع عملی تهدیدات آنها گذاشته است.

برداشت تهدیدمحور عربستان از مفهوم امنیت دارای دلایل تاریخی و ذهنی است. اعتماد به نفس ناشی از هویت قومی، پیوندهای خونی و تعلق دین اسلام به سرزمین و زبان عربی موجب گردیده تا عربستان

1 - John j. Mearsheimer

2 - Fareed R. Zakaria

3 - Transferring the Responsibility

4 - Proxy wars

به رقابت با قدرت‌های منطقه‌ای پیرامونی (که در عین مسلمان بودن دارای هویت، تاریخ و تبار متفاوتی هستند)، پردازد. «حس «محاصره‌شدگی»^۱ در میان همسایگان که ناشی از زیست قبیله‌ای و مُحاط بودن قبیله حاکم در میان قبایل رقیب است نیز به نهادینه شدن نگرانی و احساس تهدید دائمی در عربستان منجر گردیده است» (Long, 2005: 110). تشخیص تهدیداتی که امنیت دولت (بقای سلطنت، تمامیت ارضی و انسجام اجتماعی) و مشروعیت سیاسی-مذهبی نظام عربستان و یا هر دو آنها را هدف قرار می‌دهند، عمدتاً بر عهده رهبران، نخبگان حاکم و گروه‌های ذی‌نفوذ این کشور بوده است.

از نظر مقامات عربستان، افزایش قدرت نظامی و گسترش حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی همسایگان در مناطق راهبردی خاورمیانه از مهم‌ترین تهدیدات سخت علیه این کشور محسوب می‌شود و مواردی چون زیر سؤال رفتن مشروعیت سیاسی و مذهبی، آسیب دیدن توانمندی‌های اقتصادی و انسجام قومی-مذهبی عربستان از جمله تهدیدات نرم علیه این کشور تلقی می‌گردد. ریاض برای مقابله با تهدیدهای سخت اغلب به حامی خارجی غربی روی آورده اما برای مواجهه با تهدیدهای نرم، سیاست نزدیکی به گروه‌های افراطی سلفی را در پیش گرفته است (منصوری‌مقدم، ۱۳۹۴: ۱۴۹-۱۴۷). طی سال‌های اخیر عربستان نوگرایی اجتماعی و اقتصادی را نیز به مبانی مشروعیت سیاسی خود افزوده است. از سوی دیگر به لحاظ عینی و عملی نیز عربستان سعودی در یک «مجموعه امنیتی منطقه‌ای»^۲ مستقل، اقتدارگریز و کشمکش‌زا حد فاصل خاورمیانه، شمال و شاخ آفریقا، افغانستان و آسیای مرکزی واقع شده است. در این مجموعه حدود بیست کشور نسبتاً هم‌وزن در چهار زیرمجموعه یعنی شامات، خلیج فارس، مغرب عربی و شاخ آفریقا حضور دارند (بوزان، ۱۳۸۱: ۶۳۴-۶۳۳). در چنین منظومه‌ای عربستان در میان همسایگان قدرتمندی قرار گرفته که قادر هستند امنیت آن را به خطر بیندازند لذا حکومت سعودی نسبت به تحرکات این کشورها در حوزه پیرامونی خود حساس بوده و پیوسته تأثیرات و تبعات سیاست‌ها و اقدامات آنان را بر امنیت ملی‌اش رصد می‌کند.

دشواری برقراری امنیت در سواحل طولانی این کشور در خلیج فارس و دریای سرخ که تأسیسات حیاتی و مراکز جمعیتی عربستان در آنجا قرار دارند، نگرانی‌های عربستان از همسایگانش را بیشتر نموده است. بر همین اساس، ریاض با استفاده از توان مالی وسیع خود سیاست‌هایی چون خریدهای گسترده تسلیحاتی، ورود به ائتلاف‌های نظامی و برقراری موازنه تهدید میان قدرت‌های رقیب در منطقه

1 - Encirclement

2 - Regional Security Complex

را در دستور کار قرار داده است (منصوری مقدم، ۱۳۹۴: ۱۴۶-۱۴۴).

از منظر امنیت بین‌المللی نیز خاورمیانه یکی از مناطق «تعارض محور» در عرصه جهانی است (روزنا، ۱۳۸۰: ۸۲)؛ همین امر اهمیتی کلیدی به این منطقه در قرن بیست و یکم داده و موجب تثبیت گفتمان سلبی و تهدیدپندار از امنیت در کشورهای منطقه گردیده است (Abdul Zahra & Salaheddin, 2014: 6). از آنجا که روبه‌رو شدن خاورمیانه با تهدیدهای متنوع امکان فروپاشی برخی از نظام‌های سیاسی منطقه را فراهم می‌آورد لذا آنها ناچار هستند تا استراتژی‌های نظامی و قدرت‌محور را در دستور کار خود قرار دهند (اسنایدر، ۱۳۸۴: ۱۴۲).

طی سال‌های اخیر به دنبال افزایش درآمدهای نفتی و قدرت نظامی عربستان سعودی، این کشور مرزهای امنیتی خود را به خارج از جغرافیای حوزه پیرامونی‌اش انتقال داد. این رویکرد توسعه‌طلبانه که برای مقابله با تهدیدات فزاینده رقبا، شکل‌بخشی به محیط امنیتی پیرامونی، ارتقاء نفوذ و تضمین امنیت خود صورت می‌گرفت، موجب شد که ریاض حضور و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه را در تضاد با اهداف و منافع امنیتی خویش ارزیابی کرده و با در پیش گرفتن یک سیاست خارجی تهاجمی در صدد تضعیف نقش او برآید. عربستان در این راه قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را از طریق اعطای انواع امتیازات مالی، انرژی و سیاسی با خود همراه نمود (الوند و حسینی، ۱۳۹۹: ۱۶-۱۴).

تعقیب رویکرد تهاجمی موجب گردید ریاض حتی از الگوهای سنتی موازنه قدرت و موازنه تهدید (خرید تسلیحات نظامی و همراهی با قدرت‌های بزرگ) فاصله گرفته و به سمت ایجاد ائتلاف‌های نظامی با محوریت خود متمایل گردد (همیانی، ۱۳۹۴: ۶۳-۶۱). عربستان همچنین سیاست حمایت مالی و لجستیکی از گروه‌های تکفیری و جهادی و به راه انداختن درگیری‌های فرقه‌ای و جنگ‌های نیابتی برای تغییر موازنه منطقه‌ای را در پیش گرفت.

ایفای نقش هژمون در منطقه خلیج فارس، موازنه‌سازی در برابر تهدیدهای رقبای منطقه‌ای، اثرگذاری بر بحران‌های داخلی کشورهای خاورمیانه، ارتقاء جایگاه خود و کاهش تأثیرگذاری نقش و نفوذ رقبا، مدیریت جریان‌های اسلام‌گرا و تلاش برای حل و فصل سیاسی نزاع قدیمی اعراب و رژیم اسرائیل، مهم‌ترین سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های امنیتی عربستان در عرصه منطقه‌ای بوده است. در کنار اینها، حفظ و تداوم همکاری راهبردی با آمریکا و دیگر قدرت‌های بزرگ مبنای سیاست‌های امنیتی این کشور در سطح بین‌المللی می‌باشد (بابایی و شاه‌محمدی، ۱۴۰۱: ۱۶۷-۱۵۵).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود عناصر تفسیری نظریه رئالیسم تهاجمی، ابعاد گوناگون رویکرد تهاجمی

عربستان را شامل موقعیت جغرافیایی و راهبردی این کشور در منظومه امنیتی خاورمیانه تلقی تهدیدمحور از امنیت، افزایش توان اقتصادی، انجام خریدهای تسلیحاتی، تلاش برای حداکثرسازی قدرت، تعریف مرزهای امنیتی در خارج از جغرافیای پیرامونی، حفظ موازنه قدرت، احاله مسئولیت به نیروهای نیابتی، ورود به ائتلاف‌های نظامی بین‌المللی و رهبری ائتلاف‌های منطقه‌ای به روشنی تبیین می‌نمایند.

تاریخچه تشدید تنش‌های امنیتی عربستان با ایران

جنگ میان ایران و عراق پیامدهای عمیقی بر منطقه داشت که از مهم‌ترین آنها تشکیل شورای همکاری خلیج فارس، بالارفتن هزینه‌های نظامی عربستان و تشدید رقابت‌های امنیتی و سیاسی میان تهران و ریاض بود. جنگ اول خلیج فارس (اشغال کویت توسط عراق) به امنیتی شدن این منطقه و حضور پر قدرت نظامی ایالات متحده در آن انجامید. کشورهای عرب خلیج فارس به رهبری عربستان ضمن تقویت روابط امنیتی خود با آمریکا، در صدد رقابت با ایران برآمدند و تلاش نمودند یک سیستم امنیت دسته‌جمعی با محوریت ریاض ایجاد کنند. گرچه حمله القاعده به برج‌های دوقلوی نیویورک در سپتامبر ۲۰۰۱ موجب تنش‌زدایی سیاسی میان ایران و عربستان و تقویت همکاری‌های امنیتی میان آنها شد اما جنگ دوم خلیج-فارس در سال ۲۰۰۳ (حمله آمریکا به عراق و حذف صدام حسین) موازنه منطقه‌ای را به نفع ایران تغییر داد که این امر نگرانی‌های امنیتی عربستان را افزود. از این زمان به بعد پروژه مشترک ایران هراسی و شیعه هراسی عربستان و آمریکا و اتهام مداخله ایران در امور داخلی اعراب (عراق، لبنان) بیشتر شد. در سال ۲۰۰۶ ایران و عربستان وارد یک تقابل تمام عیار سیاسی و امنیتی در لبنان شدند. وقوع بهار عربی در سال ۲۰۱۱ جنگ‌های نیابتی با تهران را در مناطق مختلف منطقه تشدید و در سال ۲۰۱۵ تقابل دو کشور با ورود عربستان به یمن جنبه نظامی و عملیاتی به خود گرفت. در واقع در کنار موضوعات امنیتی، رقابت‌های ژئوپلیتیک دو کشور نیز تشدید گردید.

سیاست خارجی تهاجمی عربستان با روی کار آمدن ملک سلمان و انتصاب محمد بن سلمان به‌عنوان وزیر دفاع در سال ۲۰۱۵ شکل علنی و رسمی به خود گرفت. ریاض در سال ۲۰۱۶ دکتترین سلمان با تکیه بر ملی‌گرایی را ارائه نمود که طرحی برای تبدیل شدن عربستان به‌عنوان قدرت هژمون منطقه بود. در همین سال عربستان از چشم‌انداز ۲۰۳۰ یا برنامه تجدد آمرانه عربستان رونمایی کرد که در کنار اهداف مهم اقتصادی، ارتقاء جایگاه نظامی و نقش امنیتی این کشور در منطقه را نیز دنبال می‌نمود. در سال ۲۰۱۷ با انتصاب محمد بن سلمان به‌عنوان ولیعهد عربستان، وی هشدارهای تهدیدآمیز بی‌سابقه‌ای

را علیه ایران مطرح کرد (Stancati, 2018).

جایگاه امنیتی سازی در سیاست های تهاجمی عربستان

امنیتی سازی^۱ یکی از الزامات اجتناب ناپذیر سیاست خارجی کشورهایی است که رویکرد غالب امنیتی و تهدیدپندار در تعاملات خود با دولت های دیگر دارند و تلاش می نمایند با روش های تقابلی و تهاجمی، برتری خود و تضعیف رقیب را دنبال نمایند. بر مبنای اصول بر ساختگی^۲ و خودارجاع^۳ بودن مفهوم امنیت، به محض اینکه نخبگان و کارگزاران حکومتی موضوعی را امنیتی بخوانند، آن «موضوع» تبدیل به یک «مورد» امنیتی می شود (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۰). در برخی موارد رهبران سیاسی به جای تلاش واقعی برای تأمین امنیت، به استفاده ای که از تهدیدات می توان نمود توجه دارند. آنان با این تفسیر که در یک وضعیت اضطراری^۴، بقای اهداف مرجع^۵ و حیاتی کشورشان (همچون تمامیت ارضی، حاکمیت، هویت و ایدئولوژی) توسط دیگری به خطر افتاده و این به منزله تهدید وجودی است، پروژه امنیتی سازی را در دستور کار قرار داده و یک سیاست خارجی تهاجمی را در پیش می گیرند (زارع زاده ابرقویی، ۱۳۹۶: ۹۳).

امنیتی سازی در کشورهای غیر دموکراتیک دارای چهار کارکرد مشخص است: بزرگنمایی موضوعات در دستور کار، بازدارندگی، مشروع سازی اعمال گذشته و کنترل بیشتر امور (Vuori, 2008: 76). پروژه امنیتی سازی در دو قالب گُنش «گفتاری» و «رفتاری» عملیاتی می شود. سه عنصر اصلی این پروژه، مخاطب محوری، زمینه بندی و قدرت می باشد (Balzacq, 2005: 171). امنیتی سازی همچنین به مؤلفه ها و مفاهیم دیگری مثل بازیگر امنیتی کننده^۶، بازیگر کارکردی^۷، موضوع امنیتی شده، هدف مرجع امنیت، مخاطبان^۸، محیط یا شرایط تسهیل کننده^۹ و اقتدار بازیگر امنیتی ساز نیاز دارد. در اینجا بازیگر امنیتی کننده کنشگری است که می تواند هر چیزی را به عنوان هدف مرجع، تعریف و گفتار متناسب را برای امنیتی کردن یک موضوع به کار گیرد. بازیگر کارکردی یک عامل بیرونی اما تأثیرگذار، سرعت بخش و

1 - Securitization

2 - Contractedness

3 - Self-Referential

4 - Emergency Situation

5 - Referent object

1 - Securitizing Actor

2 - Functional Actor

8 - Audiences

9 - Facilitating Conditions

حمایت‌کننده در مسیر امنیتی‌سازی است. مخاطبان نیز مجموعه گُنشگرانی هستند که تلاش می‌شود تا در مورد تهدیدات مد نظر متقاعد شوند. شرایط تسهیل‌کننده (داخلی، منطقه‌ای و جهانی) عواملی هستند که در تعیین و تعریف موضوعات مناسب برای تبدیل شدن به اهداف مرجع و تهدیدهای وجودی کمک می‌کنند (زارع‌زاده ابرقویی، ۱۳۹۶: ۱۰۶-۱۰۳).

امنیتی‌سازی نقش منطقه‌ای ایران توسط عربستان و متحدان بین‌المللی و منطقه‌ای آن

عربستان در زمره کشورهای غیر دموکراتیکی است که پروژه امنیتی‌سازی و سیاست خارجی تهاجمی را به‌عنوان بخشی از حکمرانی اضطراری^۱ خود دنبال کرده است. بافتار^۲های تاریخی، سیاسی و اجتماعی کشورهای خاورمیانه نیز نقش بسزایی در تعریف و تعقیب پروژه‌های امنیتی‌سازی از رفتار یکدیگر و تهدید نشان دادن هم دارند.

در زمینه کارکردهای مختلفی که امنیتی‌سازی نقش منطقه‌ای ایران برای عربستان داشته، می‌توان به مواردی چون سرکوب مخالفان سیاسی این کشور، تثبیت و ارتقاء موقعیت حاکمان جدید عربستان، تشدید موج ایران‌هراسی (به دلیل احساس ضعف و عقب‌افتادگی در برقراری موازنه و انجام رقابت مؤثر با ایران در سطح منطقه‌ای) و نهایتاً ترغیب ایالات متحده آمریکا و سایر دولت‌های منطقه برای اعمال فشارهای همه‌جانبه بر جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد (اسدی، ۱۳۹۸: ۹۹-۸۸).

عربستان در پیگیری سیاست خارجی تهاجمی خود در حوزه گُنش‌گفتاری، امنیتی‌سازی نقش منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را با متهم کردن تهران به دخالت در امور داخلی کشورهای عرب، تلاش برای براندازی نظام‌های سیاسی منطقه و طرح انواع اتهامات حقوقی، سیاسی و امنیتی ایران هراسانه پیش برده است. بر این اساس اقدامات و سیاست‌های ایران موجب به خطر افتادن امنیت وجودی و هویت عربستان و کشورهای منطقه شده و یک وضعیت اضطراری ایجاد کرده که نیازمند اتخاذ تدابیر فوق‌العاده^۳ جهت مقابله با این خطرات است. در بخش گُنش‌های رفتاری، عربستان امنیتی‌سازی از نقش خاورمیانه‌ای جمهوری اسلامی ایران را با کمک و همراهی متحدان منطقه‌ای و بین‌المللی خود پیش برده است. در همین پیوند، «آمریکا» بازیگر امنیتی‌کننده، «عربستان سعودی» بازیگر کارکردی، «جمهوری اسلامی ایران» و نقش منطقه‌ای آن موضوع امنیتی شده، «حفظ نظام سیاسی، تمامیت ارضی، حاکمیت،

1 - Emergency Governance

2 - Context

3 - Extraordinary Measures

هویت و ایدئولوژی عربستان و کشورهای منطقه» هدف مرجع، «جامعه بین‌المللی و کشورهای منطقه» مخاطبان امنیتی‌سازی و بالاخره «فضای منطقه‌ای و بین‌المللی» محیط یا شرایط تسهیل‌کننده می‌باشند. مطابق آنچه در فرضیه مقاله اشاره شد، حاکمان سیاسی و نخبگان اجتماعی عربستان، بنا به اهداف مشخص سیاسی داخلی و خارجی، به تشدید ناامنی و تصاعد بحران در منطقه دامن زده‌اند. آنان از طریق انجام اقدامات بحران‌ساز مبادرت به توسعه نفوذ خود و تلاش برای مهار نقش و نفوذ جمهوری اسلامی ایران نموده‌اند. در این راستا نسخه امنیتی آنان استفاده از روش‌های نظامی و ائتلاف با نیروهای خارجی و قدرت‌های فرا منطقه‌ای بوده و از رشد عقلانیت امنیتی در ابعاد غیر نظامی از جمله همکاری در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، هنجاری و فرهنگی استقبال نکرده‌اند؛ امری که به هویتی شدن امنیت، قطبی شدن ژئوپلیتیک منطقه و افزایش دائم تعارضات و اختلافات میان کشورهای رقیب در خاورمیانه منجر گردیده است (پوستین‌چی، ۱۳۸۷: ۱۴۵-۱۳۰).

اقدامات بحران‌آفرین عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران

با سقوط طالبان در افغانستان در سال ۲۰۰۱، نفوذ انباشته شده عربستان در این کشور از دوران مبارزه با اشغال شوروی سابق، در ابعاد سیاسی، امنیتی، فکری و مالی تضعیف و در مقابل نفوذ ایران در افغانستان رو به تزاید گذاشت. بر این اساس، عربستان از طریق ارتباط‌گیری مجدد با احزاب سیاسی افغانی مخالف ایران، گسترش وهابیت و حمایت مالی و امنیتی از جریان‌ات سنی تندرو در نوار مرزی ایران و افغانستان به دنبال سد کردن نفوذ تهران و بحران‌سازی برای آن برآمد. پس از سرنگونی صدام حسین در سال ۲۰۰۳ و مطرح شدن نظریه هلال شیعی در سال ۲۰۰۴، ریاض انتقاد از عملکرد جمهوری اسلامی ایران در جانبداری از شیعیان عراقی و روی کار آمدن آنها را علنی نمود و هم‌زمان به تقویت شکاف‌های مذهبی، قومی و گرایش‌های تجزیه طلبانه در ایران پرداخت. در سال ۲۰۰۶، جنگ سی و سه روزه رژیم اسرائیل و حزب‌الله موقعیت این گروه متحد ایران را تقویت نمود. عربستان در قالب اتحادیه عرب، اقدام حزب‌الله را تقبیح و در لبنان نیز به حمایت از گروه‌های سیاسی مخالف آن پرداخت. در همین سال ریاض ضمن مخالفت با خروج کامل نیروهای آمریکایی از عراق، تلاش‌های خود برای ایفای نقش رهبری در منطقه و ایستادگی در مقابل نفوذ بیشتر ایران در عراق را تشدید کرد که همین امر پایه‌گذار سیاست خارجی تهاجمی عربستان شد. عربستان سعودی در سال ۲۰۰۷ تلاش کرد تا گروه‌های حماس و فتح را به یکدیگر نزدیک کرده و اختلافات میان آن دو درباره نحوه مواجهه با نزاع عربی-اسرائیلی را کاهش دهد. ریاض طرح صلح ملک عبدالله (موسوم به صلح در برابر زمین) را در

اجلاس سران عرب در همین سال مطرح نمود. این کشور در دوره‌ای حتی سعی کرد اتحاد راهبردی میان سوریه و ایران را با به کارگیری ترفندهای گوناگون سیاسی و مالی تضعیف نماید؛ چنان‌که در نتیجه این تلاش‌ها در سال ۲۰۰۹ اختلافاتی میان دیدگاه‌های ایران و سوریه در مورد عراق (به دلیل حمایت سوریه از ایاد علاوی) و در سال ۲۰۱۰ در خصوص یمن (عدم حمایت سوریه از اقدامات حوثی‌های مورد حمایت ایران) بروز نمود (منصوری‌مقدم، ۱۳۹۴: ۲۸۴-۲۷۷).

در جریان تحولات بهار عربی (۲۰۱۱ به بعد)، عربستان با انجام حمایت‌های مالی و لجستیکی غیر مستقیم از گروه‌های افراطی سنی و تروریست‌های بین‌المللی ضد شیعه و به راه انداختن جنگ‌های نیابتی و ائتلاف‌های نظامی، به مقابله با گسترش نفوذ ایران پرداخت (حشمت‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵۴-۱۴۲). حضور نظامی این کشور در بحرین در سال ۲۰۱۱، با هدف حمایت از سرکوب شیعیان متحد ایران توسط دولت منامه صورت گرفت. عربستان در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ به ترتیب در عراق و سوریه، با هدف تغییر موازنه منطقه‌ای علیه ایران جنگ‌های نیابتی را آغاز کرد. حمله به یمن در سال ۲۰۱۵ نیز با هدف سرنگونی حوثی‌های طرفدار ایران صورت گرفت. یک هدف مهم تدوین دکترین سلمان در سال ۲۰۱۶، مهار و تضعیف ایران و متحدان منطقه‌ای آن و جلوگیری از افزایش قدرت آنان در ابعاد سیاسی، امنیتی و اقتصادی منطقه‌ای بود. در این سند، ضمن ایران هراسی و شیعه هراسی، حذف بشار اسد و شبه نظامیان شیعه و ترویج وهابیت مورد تأکید قرار گرفت. در سال ۲۰۱۷ ولیعهد عربستان با یادآوری ضرورت متوقف کردن مداخله ایران در منطقه، خواستار افزایش فشارهای بین‌المللی بر تهران برای جلوگیری از وقوع جنگ با ایران ظرف سال‌های آینده گردید.

نمونه دیگری از سیاست‌های تهاجمی عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران، ابتکارات سیاسی و دیپلماتیکی بود که این کشور برای تعطیلی و یا تضعیف برنامه هسته‌ای ایران به کار گرفت. عربستان از طریق برخی مصوبات شورای همکاری خلیج فارس همچون «منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای»^۱ (۲۰۰۵) و «برنامه تحقیقات هسته‌ای مشترک» (۲۰۰۶) تحت نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تلاش نمود تا توجه جامعه بین‌المللی را به برخی اتهامات مربوط به نظامی بودن برنامه هسته‌ای ایران جلب نماید (Stracke, 2007: 4-8). برجسته ساختن نگرانی‌های زیست‌محیطی فعالیت‌های هسته‌ای ایران برای کشورهای عرب خلیج فارس و همچنین یادآوری ضرورت انجام مشورت کشورهای

مذاکره‌کننده هسته‌ای و نیز اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل با برخی دولت‌های عربی در خصوص پرونده هسته‌ای ایران و طرح موضوعات منطقه‌ای در مذاکرات هسته‌ای سال ۲۰۱۵، از دیگر ابتکارات دیپلماتیک عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران بود (همیانی، ۱۳۹۴: ۷۰).

کشورهای غربی در شرایطی که انواع تحریم‌های نظامی، اقتصادی و صنعتی علیه جمهوری اسلامی ایران را وضع و تهران را حتی از خرید سلاح‌های متعارف نظامی محروم کردند، این فرصت را برای عربستان و دیگر کشورهای منطقه فراهم آوردند که طی سال‌های پیاپی قراردادهای چند صد میلیارد دلاری تسلیحاتی امضا کنند.^۱ عربستان سعودی همچنین با توجه به نقش ژئواستراتژیک ایران در منطقه و تسلط آن بر تنگه هرمز، همواره حضور نیروهای خارجی را تضمین آزادی کشتیرانی در گذرگاه‌های آبی بین‌المللی معرفی کرده است (مهدیان، ۱۳۹۲: ۱۲۷-۱۱۰).

در چنین حالتی به نظر می‌رسد پیگیری برنامه‌های تسلیحاتی و موشکی و تقویت گروه‌های همسو (مقاومت) در سطح منطقه‌ای توسط ایران، تلاشی برای حفظ امنیت خود خصوصاً در شرایط بحرانی باشد. در حقیقت، مقاومت و مقابله با تهدیدات یک الگوی دفاعی بازدارنده و گُش راهبردی در سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است (Katzman, 2013:71). با این وجود عربستان سعودی و متحدان منطقه‌ای و غربی آن، همین اقدامات دفاعی ایران را برای ثبات منطقه مخرب دانسته و با امنیتی‌سازی این اقدامات و انجام تبلیغات ایران هراسانه، با الگوهای امنیتی درون‌زایی که جمهوری اسلامی ایران برای ثبات و استقرار منطقه پیشنهاد می‌کند، مخالفت می‌نمایند.

تأثیر رقابت‌های ژئوپلیتیکی بر رویکردهای امنیتی عربستان

طی سال‌های اخیر تشدید تنش‌های امنیتی میان عربستان و ایران به دلیل رقابت بر سر گسترش قلمروهای ژئوپلیتیک نیز بوده است. ریاض برای افزایش قلمرو و نفوذ ژئوپلیتیکی خود اقدام به

۱ - در سال ۱۳۹۶ در جریان سفر دونالد ترامپ رئیس‌جمهور وقت آمریکا به عربستان، وی قرارداد ۱۱۰ میلیارد دلاری فروش تسلیحات نظامی را برای مقابله با آنچه تهدیدات جمهوری اسلامی ایران و اسلام‌گرایان افراطی خواند، با مقامات این کشور امضا کرد. در دوره باراک اوباما دیگر رئیس‌جمهور آمریکا نیز ارزش فروش سلاح‌های آمریکایی به عربستان حدود ۱۱۵ میلیارد دلار اعلام شده بود. هر دو رئیس‌جمهور این معاملات را نشانه دور جدیدی از تحکیم روابط فی‌مابین بیان کردند (https://www.khordad.news/fa/news/218783, 1396).

بحران آفرینی و ایجاد منازعه امنیتی^۱ از طریق دامن زدن به درگیری‌های فرقه‌ای در کشورهای آشوب‌زده منطقه نموده است (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۳۳-۷). بر این اساس، حتی در مواردی که تهدیدی از ناحیه جمهوری اسلامی ایران متوجه این کشور نگردیده، عربستان سعودی صرفاً با هدف جلوگیری از گسترش نفوذ منطقه‌ای ایران، اقدامات تقابلی را در دستور کار قرار داده است. در واقع این امر یکی از اقتضائات سیاست خارجی تهاجمی این کشور بوده که بر مبنای آن، رویکرد امنیت ملی «بسط‌محور» جایگزین رویکرد امنیت ملی «حفظ‌محور» شده تا عربستان در ورای مرزهای جغرافیایی نیز از طریق ایجاد منازعات امنیتی، مانع گسترش نقش و نفوذ ایران گردد. این تغییر رویکرد با هدف شکل‌دهی به تغییرات ژئوپلیتیکی و صورت‌بندی جدیدی از توزیع قدرت به نفع عربستان انجام گرفت. اقدامات بحران‌ساز این کشور عمدتاً در مناطقی (مانند سوریه، عراق و لبنان) دنبال شده که حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی و عمق راهبردی ایران بوده است (مصلی‌نژاد و صمدی، ۱۳۹۷: ۲۰۵-۲۰۳). تشدید اقدامات عربستان سعودی پس از حوادث بهار عربی، «رویاری ژئوپلیتیکی و صف‌بندی امنیتی بی‌سابقه‌ای را با جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرد» (Katzman, 2013: 41).

بدیهی است بازیگران منطقه‌ای بدون همراهی عملی قدرت‌های بزرگ نمی‌توانند از «مکانیسم‌ها و ابزارهای بحران‌ساز برای برهم زدن امنیت منطقه‌ای به نفع خود و علیه دیگری استفاده کنند» (والث، ۱۳۸۲: ۷۴). لذا عربستان سعودی نیز در جهت مهار جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از تغییر موازنه منطقه‌ای به نفع این کشور، موافقت و یا حداقل عدم مخالفت آمریکا را جلب نموده است. گسترش نفوذ ژئوپلیتیکی ایران، هژمونی عربستان در جهان عرب و اسلام را تهدید می‌کرد. همین امر ریاض را بر آن داشت تا از هر طریق ممکن، تهدیدها علیه خود را به حداقل رسانده و از نقش‌یابی رقیب جلوگیری کند. تغییر راهبرد محافظه‌کارانه عربستان ظرفیت تهاجمی این کشور را در عرصه سیاست خارجی بالا برد و مقامات عربستان را مصمم نمود تا بیشترین نفوذ را در محیط ژئوپلیتیکی خود ایجاد نمایند (حمایتیان و جعفری‌زاده، ۱۳۹۴: ۷۱-۵۳). به‌علاوه مقابله تمام عیار این کشور با پیامدهای سیاسی و امنیتی بهار عربی، در افزایش آزادی عمل و قدرت مانور عربستان تأثیر بسزایی

۱ - برخی از تحلیلگران بین‌المللی معتقد هستند که یکی از مهم‌ترین نشانه‌های تحول ژئوپلیتیکی در محیط منطقه‌ای، وقوع منازعات امنیتی است. هرگاه به اهداف ایجادکنندگان این آشوب‌ها توجه شود، مشخص می‌گردد که آنها نیت مشخصی را برای شکل‌دهی به نظم ژئوپلیتیکی جدید در دستور کار دارند (Brzezinski, 1993:185).

داشت. برآورد ریاض آن بود که افزایش کنشگری عربستان به جای آمریکا، حمایت افکار عمومی را از این کشور به واسطه پر کردن خلأ قدرت در خاورمیانه به دنبال خواهد داشت (حشمت‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۲-۱۳۷).

سیاست خارجی تهاجمی عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران باعث شد تا فضای حاکم بر روابط میان دو کشور بر اساس فاکتورهایی چون تقابل، تعارض، برتری و نفوذ هرچه بیشتر تعریف شود. خواست عربستان برای کسب بالاترین سطح امنیت، قدرت و نقش^۱، فراتر از کسب توان لازم برای برقراری موازنه، تأمین امنیت نسبی خویش و مهار رقیب بوده و عملاً در سال‌های اخیر این کشور در جهت تضعیف کامل موقعیت ایران و حداقلی کردن نقش و نفوذ ژئوپلیتیکی او در خاورمیانه قدم برداشته است (دارابی و کاظمی، ۱۳۹۵: ۸-۴).

روند طرح‌های امنیتی عربستان در قبال ایران و نحوه تعامل با آن

در این بخش چگونگی تهدیدات عربستان و مدیریت آنها بررسی می‌شود.

تداوم تهدیدات

در دو دهه اخیر، عربستان سعودی برای جلوگیری از افزایش نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران، در صدد برآمد تا موقعیت خود را از طریق موازنه‌گرایی ارتقاء دهد. چالش‌های مترتب بر این موازنه‌گرایی، بحران‌های امنیتی گسترده‌ای بود که در سطح منطقه رخ داد. به یک تعبیر، ظهور و فعالیت گروه‌های تکفیری چون داعش، جبهه‌النصره و... ناشی از پروژه‌های مختلف امنیتی‌سازی نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه بوده که ریاض و برخی دیگر پایتخت‌های عربی آن را مداخله‌گری ایران در جهان عرب و تلاش برای ایجاد هلال شیعی تعبیر کردند (مصلی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۸۶-۱۰۸۱).

عربستان بر اساس راهبرد بحران‌آفرینی خود، طرح‌های مختلفی را به منظور تداوم تعارضات با ایران و مهار و منزوی کردن کامل جمهوری اسلامی در دستور کار دارد. استفاده از اهرم‌های بین‌المللی (حتی با همراه کردن چین و روسیه)، جهت تشدید اختلافات ایران با جامعه جهانی در موضوعات هسته‌ای،

۱ - کالوی هالستی (Kalevi J. Holsti) از واضعان اصلی نظریه «نقش سیاست خارجی»، رفتار دولت‌ها در سیاست خارجی را برآمده از نقشی می‌داند که آنها در محیط بین‌الملل برای خود متصور هستند لذا تغییر رفتار در سیاست خارجی ناشی از دگرگونی در مفاهیم نقش ملی (National Role Conceptions) نزد تصمیم‌گیرندگان این عرصه می‌باشد. در این نظریه «منابع نقش» شامل ساختار نظام بین‌الملل، افکار عمومی، انتظارات دیگران، نیازهای داخلی، آرمان‌ها و اهداف اصلی سیاست خارجی، فرهنگ و... است (جوادی ارجمند و معینی، ۱۳۹۷: ۳۱۱-۳۱۰).

موشکی، ایجاد تقابل نظامی میان آمریکا و ایران و در صورت نیاز درگیری مستقیم نظامی خود این کشور با جمهوری اسلامی از جمله آنها می‌باشد. نرمش‌ها و انعطاف‌های تاکتیکی عربستان نسبت به ایران در برخی بازه‌های زمانی، نوعی مدیریت روندهای منطقه‌ای با هدف پیشبرد اهداف ملی این کشور یا به دلیل همراهی با سیاست‌های متحدان بین‌المللی بوده است (امیری‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۸-۳۳).

می‌توان گفت که عربستان سعودی همواره نگران بهره‌برداری جمهوری اسلامی ایران از فرصت‌هایی است که در نتیجه تحولات منطقه‌ای ایجاد می‌شود لذا مسالمت‌جویی تهران و آمادگی او برای کنار گذاشتن اختلافات با ریاض را نیز نوعی تلاش برای تثبیت سیاسی دستاوردهای نظامی و امنیتی خود و متحدانش در یک مقطع زمانی خاص تلقی کرده و به هیچ وجه آن را به منزله رفع تهدیدات ایران نمی‌داند. به صورت اصولی عربستان در پی تضعیف ایران و وادار کردن آن به عدم مداخله در مسائل جهان عرب مانند یمن است تا حدی که تهران مجبور به در پیش گرفتن سیاست میانه‌روی، تنش‌زدایی و همزیستی در منطقه شود؛ حتی در چنین وضعیتی نیز عربستان سعودی به مشی رقابتی خود با ایران ادامه خواهد داد و عملاً اختلافات و تنش‌های میان دو کشور به صورت ساختاری حل نمی‌شوند (نادری و تاجیک، ۱۳۹۷: ۲۶-۲۲).

مدیریت تهدیدات

مدیریت تهدیدات عربستان علیه ایران مستلزم شناخت بازیگران مختلف داخلی این کشور (خانندان سلطنتی، سلفی‌های تکفیری، شیوخ وهابی، مؤسسات فکری و تصمیم‌ساز و...)، بازیگران منطقه‌ای (کشورها و سازمان‌های عربی، رژیم صهیونیستی، جریانات فروملی مانند گروه‌های هویتی افراطی و تروریستی) و بین‌المللی (آمریکا و کشورهای اروپایی)، همچنین شناسایی اهداف و برنامه‌های آنان و میزان تاثیرگذاری این بازیگران در محیط امنیتی خاورمیانه است (امینی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۰-۱۵۸).

در میان همه این عوامل، تأثیر نخبگان سیاسی و اعضای خانندان سلطنتی عربستان به دلیل آنکه ساختار سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در این کشور به شدت فردی و غیر نهادینه است، بسیار مهم می‌باشد. هر اندازه رهبران قدرت‌محورتری در عربستان روی کار بیایند، امکان اتخاذ رویکردهای تهاجمی در سیاست خارجی این کشور نسبت به جمهوری اسلامی ایران محتمل‌تر است. همین امر لزوم در پیش گرفتن جوانب احتیاطی مختلف از سوی جمهوری اسلامی ایران برای اجتناب از رسیدن به وضعیت تقابلی مستقیم میان دو کشور را بیشتر می‌نماید زیرا همان‌گونه که در بخش بیان مسئله پژوهش گفته شد، تجربه نشان داده که بخشی از دلایل تهاجمی شدن سیاست خارجی عربستان ناشی از ناتوانی

رهبران این کشور در مدیریت تحولات ژئوپلیتیکی و امنیتی منطقه و استفاده از روش‌های قدیمی امنیتی‌سازی نقش منطقه‌ای ایران و تقویت ایران هراسی در سطح بین‌المللی می‌باشد. همچنین مداخلات بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در ساختارهای امنیتی خاورمیانه سبب شده تا ایران و عربستان به تنهایی نتوانند معضلات میان خود و منطقه را حل و فصل نمایند؛ بنابراین هرچند روند عادی‌سازی روابط دو کشور (مانند دو سال گذشته) منوط به اراده سیاسی رهبران دو کشور رقیب می‌باشد، اما عوامل بیرونی تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری‌های آنان کم نبوده و تهران و ریاض با ملاحظه پیامدهای تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باید اثرات آنها را بر حکمرانی داخلی و خارجی خود لحاظ نمایند.

نتیجه

در مقاله حاضر این نکته محوری مورد تأکید قرار گرفت که عربستان سعودی به واسطه شرایط داخلی و موقعیت جغرافیایی و راهبردی خود در محیط امنیتی خاورمیانه برای چند دهه، تلقی تهدیدمحور از مفهوم امنیت داشته و بسته به شرایط و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، رویکردهای امنیتی متفاوتی از یک سیاست خارجی تدافعی، محافظه‌کارانه و مبتنی بر موازنه تهدید گرفته تا سیاست خارجی تهاجمی ناظر بر تهدید و بحران‌آفرینی حداکثری، مقابله مستقیم با بحران‌های منطقه‌ای و تشکیل ائتلاف‌های نظامی با محوریت خود را اتخاذ نموده است. در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش که تهدیدات امنیتی چه تأثیری در تهاجمی شدن سیاست خارجی عربستان در قبال ایران داشته است؟ در بخش‌های مختلف مقاله با استفاده از ظرفیت‌های تفسیری نظریه رئالیسم تهاجمی، نشان داده شد که این کشور تحت تأثیر تحولات درونی و محیط منطقه‌ای و بین‌المللی در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷ به‌ویژه پس از سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۱۱، مجموعه سیاست‌ها و اقداماتی را در پیش گرفت که مانع از تثبیت نقش فزاینده جمهوری اسلامی ایران در تعریف معادلات و مناسبات امنیتی منطقه شود. مطابق آنچه در فرضیه مقاله بیان گردید، عربستان سعودی بر پایه سیاست خارجی تهاجمی خود مبادرت به ایجاد انواع منازعات امنیتی در خاورمیانه عربی و امنیتی‌سازی گسترده از رفتارهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران نمود. همچنین این کشور با برخورداری از حمایت ضمنی یا صریح قدرت‌های بزرگ، تمامی ظرفیت‌های سیاسی، دیپلماتیک، نظامی، انرژی و اقتصادی خود را برای تضعیف و مهار ایران به کار گرفت. رویکرد تهاجمی عربستان به رغم پاره‌ای از موفقیت‌ها و جلوگیری از تحقق اهداف منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، نتوانسته است جمهوری اسلامی ایران را مهار و منزوی نماید و یا نظم و امنیت مطلوب ریاض را در خاورمیانه عربی نهادینه کند. ناکامی‌های عربستان در یمن، سوریه و عراق، افزایش هزینه‌های سیاست

خارجی این کشور و گسترش تهدیدات امنیتی متقابل علیه ریاض روند توسعه اقتصادی این کشور را با وقفه روبه‌رو نمود و عربستان را ناچار از بازنگری در سیاست‌های تهاجمی منطقه‌ای خود نسبت به کشورهای هم‌چون قطر، سوریه و جمهوری اسلامی ایران کرد. به رغم برقراری روابط دیپلماتیک تهران و ریاض در اسفند ماه ۱۴۰۱، به نظر می‌رسد حساسیت‌های امنیتی و ژئوپلیتیکی عربستان نسبت به ایران همچنان باقی است و طرفین تا ایجاد اعتماد متقابل و عدم احساس تهدید از یکدیگر راهی نسبتاً طولانی در پیش دارند.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- اسدی، علی‌اکبر (۱۳۹۸)، «نقش عربستان سعودی در امنیتی‌سازی ایران؛ راهبرد جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۲۲، شماره ۳، ۱۰۶-۸۳.
- ۲- اسنایدر، گریک (۱۳۸۴)، امنیت و استراتژی معاصر، ترجمه حسین محمدی‌نجم، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- ۳- امیری‌مقدم، رضا؛ سیدجواد امینی؛ محسن نوروزی و داود فیاضی (۱۳۹۸)، «سناریوهای تهدیدات امنیتی عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴»، فصلنامه امنیت ملی، سال ۹، شماره ۲، ۴۹-۲۳.
- ۴- بوزان، باری (۱۳۸۱)، «خاورمیانه: ساختاری همواره کشمکش‌زا»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۶، شماره ۳، ۶۸۰-۶۳۳.
- ۵- بوزان، باری؛ آلی ویور و دو پاپ ویلد (۱۳۸۶)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۶- جوادی ارجمند، محمد جعفر و امین معینی (۱۳۹۷)، «مفاهیم نقش ملی و تحلیل سیاست خارجی؛ سیاست خارجی ایران در قبال اسرائیل در فاصله سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۲۷»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۸، شماره ۲، ۳۲۵-۳۰۹.
- ۷- حشمت‌زاده، محمد باقر؛ یاسر قائمی و لیلا جمور (۱۳۹۷)، «سیاست‌های منطقه‌ای ستیزه‌جویانه عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۷-۲۰۰۳): دلایل، اهداف و پیامدها»، فصلنامه راهبرد، سال ۲۷، شماره ۸۸، ۱۵۹-۱۳۳.
- ۸- حمایتیان، احسان و علیرضا جعفری‌زاده (۱۳۹۴)، «تعاملات سیاسی-امنیتی منطقه خلیج فارس (مطالعه موردی: ایران و عربستان سعودی)»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس، آخرین شماره، ۱۳۹۴، ۷۳-۵۱.
- ۹- دارابی، وحید و حامد کاظمی (۱۳۹۵)، «بحران تقابل و موازنه قدرت در سیاست خارجی ایران و عربستان سعودی»، ماهنامه پژوهش ملل، دوره ۲، شماره ۱۵، ۲۰-۱.

- ۱۰- روزنا، جیمز (۱۳۸۰)، امنیت در جهان آشوب‌زده، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- ۱۱- زارع‌زاده ابرقویی، رسول (۱۳۹۶)، «نگاه کپنهاکی به امنیتی‌سازی: مبانی و چالش‌ها»، فصلنامه علمی-پژوهشی آفاق امنیت، سال ۱۰، شماره ۳۶، ۹۱-۱۱۹.
- ۱۲- والت، استفان (۱۳۸۲)، «حفظ عدم توازن جهانی: خویش‌ننداری و سیاست خارجی آمریکا» در تنها ابرقدرت (هژمونی آمریکا در قرن ۲۱)، ترجمه عظیم فضلی‌پور، تهران: موسسه ابرار معاصر.
- ۱۳- الوند، مرضیه سادات و مریم سادات حسینی (۱۳۹۹)، «تحلیل سیاست خارجی تهاجمی/کنشگرانه عربستان از منظر واقع‌گرایی نوکلاسیک (۲۰۲۰-۲۰۱۰)»، فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، سال ۳، شماره ۴.
- ۱۴- امینی، سیدجواد؛ عبدالله مبینی دهکردی و محسن نوروزی (۱۳۹۸)، «آینده پژوهی مدیریت تهدیدات امنیتی عربستان در منطقه غرب آسیا (کنشگران و عوامل شتاب‌زا)»، فصلنامه علمی مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، سال ۳، شماره ۹، ۱۳۷-۱۶۲.
- ۱۵- بابایی، محمود و پریسا شاه محمدی (۱۴۰۱)، «رویکرد سیاست خارجی عربستان سعودی در حمایت از گروه‌های تکفیری-جهادی (مطالعه موردی بحران سوریه)»، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، سال ۱۱، شماره ۱.
- ۱۶- پوستین‌چی، زهره (۱۳۸۷)، «گذار از کمربند شکننده: بازسازی امنیت همیارانه در خلیج فارس»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۴، شماره ۱، ۱۵۰-۱۳۰.
- ۱۷- جکسون، رابرت و گئورگ سورنسون (۱۳۹۴)، درآمدی بر روابط بین‌الملل (نظریه‌ها و رهیافت‌ها)، ترجمه مهدی ذاکریان، احمد تقی‌زاده و سعید کلاهی، تهران: نشر میزان.
- ۱۸- مرشایمر، جان (۱۳۹۰)، تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ، ترجمه غلامعلی چگنی‌زاده، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۹- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۲)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
- ۲۰- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۳)، «تسرّی رقابت‌های ژئوپلیتیکی به تضادهای هویتی در خاورمیانه»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۳، شماره ۴، ۷-۳۶.
- ۲۱- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۵)، «سیاست‌گذاری موازنه منطقه‌ای در روابط ایران و عربستان»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۶، شماره ۴، ۱۰۸۷-۱۰۶۷.
- ۲۲- مصلی‌نژاد، عباس و علی صمدی (۱۳۹۷)، «سیاست‌گذاری راهبردی عربستان در روند گسترش ژئوپلیتیک بحران خاورمیانه»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۸، شماره ۱، ۲۱۹-۱۹۷.
- ۲۳- منصوری‌مقدم، محمد (۱۳۹۴)، تحولات منطقه‌ای و سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال جمهوری اسلامی ایران (۲۰۱۲-۱۹۹۱ م)، تهران: دبیرش.
- ۲۴- مهدیان، حسین (۱۳۹۲)، ژئوپلیتیک و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران.

- ۲۵- نادری، مسعود و هادی تاجیک (۱۳۹۷)، «سناریوهای راهبردی روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در افق ۲۰۳۰ میلادی»، فصلنامه آینده‌پژوهی دفاعی، سال ۳، شماره ۱۱، ۷-۲۸.
- ۲۶- همیانی، مسعود (۱۳۹۴)، «تغییر جهت در سیاست خارجی عربستان سعودی: از استراتژی موازنه تا رهبری ائتلاف»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۹، شماره ۱، ۵۳-۷۴.
- ۲۷- یزدان‌فام، محمود (۱۳۸۷)، «دگرگونی در نظریه‌ها و مفهوم امنیت بین‌المللی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۸، ۷۵۰-۷۲۵.

منابع غیر فارسی

- 1- Abdul-Zahra, Qassim & Salaheddin, Sinan, (2014), "Iraqi forces battle militant uprising in Sunni Cities", Washington Post, January 2.
- 2- Balzacq, Thierry (2005), "The Three Faces of Securitization: Political Agency, Audience and Context", European Journal of International Relations, Vol. 11, No. 2.
- 3- Brzezinski, Zbigniew (1993), Out of Control: Global Turmoil on the Eve of the 21th Century, New York, Macmillan press.
- 4- Katzman, Kenneth (2013), "Iraq: Politics, Governance, and Human Rights", Congressional Resea Research Service, 1- 49.
- 5- Long, David E (2005), Culture and Customs of Saudi Arabia, Westport, CT and London, Greenwood Press.
- 6- Stancati, Margherita (March 2018). Saudi Prince Calls for Stepped-Up Pressure on Iran. Available at :(<https://www.wsj.com/articles/saudi-prince-calls-for-stepped-up-pressure-on-iran-1522365518>). Site view date: 29/03/2018.
- 7- Stracke, Nicole (2007), "Nuclear Development in The Gulf: A Strategic or Economic Necessity", Issue, No .7. available at: www.grc.ae.
- 8- Vuori, J. A(2008), "Illocutionary logic and strands of securitization – Applying the theory of securitization to the study of non-democratic political orders", European Journal of International Relations, 14(1).